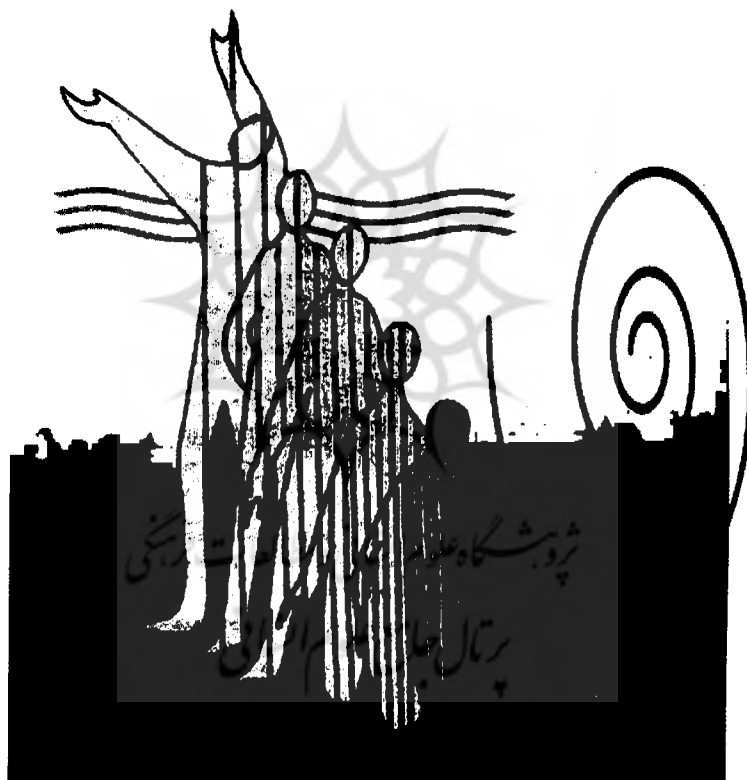


## مجازات‌های مثل زندان که هزینه‌های بسیاری بر جامعه تحمیل می‌کند و مفسد فراوانی هم برای جامعه دارد ضد حقوق بشر است

«گزیده‌ای از بیانات ریاست معظم قوه قضائیه در خصوص حبس‌زدایی»

سارق که در زندان بماند، زندان به شکل یک کارگاه آموزشی سرقت درخواهد آمد، هر غیر سارقی هم به آنجا برود سارق می‌شود و بیرون می‌آید. آیا این مراعات حقوق بشر است؟ این یک بحث لفظی است که می‌گویند مجازات بدنی و شلاق و ... قرون وسطایی است. شما که دنبال حقوق بشر هستید حقوق واقعی بشر را حفظ کنید، شکل آن موضوعیت ندارد، آنچه که موضوعیت دارد حفظ جامعه است. حفظ بشر است؛ اصلاح مجرم و خانواده او است. کیان جامعه و کرامت انسان‌ها با مجازات‌های اسلامی حفظ می‌شود و بدون آن سلامت جامعه آسیب می‌بیند و مجرم بیشتر می‌شود. مجازات‌های مثل زندان که هزینه‌های بسیاری بر جامعه تحمیل می‌کند و مفسد فراوانی هم برای جامعه دارد ضد حقوق بشر است. دیدار با اعضای ستاد حقوق بشر ۷۹۶/۲۶



# زندان و حقوق بشر

ایوب میلکی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

Ayoob\_Milaki@yahoo.com

بخش نخست

## چکیده

حقوق بشر محصول شکوه و عظمت، توسعه و پیشرفت و تکامل تاریخی تمدن بشری است و همراه با تحول و تکامل تمدن، ایمان به قدرت و توانایی نوع بشر در نسل‌های واپسین قوی‌تر و مستحکم‌تر شد. از این رو، نفس‌شناسی و اعتقاد و ایمان به نوع بشر، متفکران، فیلسوفان و حکما را از دیرباز وادار به تأمل در این موضوع کرد و همواره در آثار متقدمان، سخن از کرامت بشری و ارزش و احترام گذاشتن به آن را می‌بینیم. «حقوق بشر را مطابق یک تعریف می‌توان به سلطه و اختیاری تعبیر کرد که حقوق هر کشور یا عهدنامه‌ها و قوانین عام بین‌المللی یا منطقه‌ای از آن حمایت می‌کنند و به شخص توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهند.»

از نظر مفهومی باید گفت حقوق بشر یعنی آنکه تمام افراد بشر آزاد آفریده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند؛ این حقوق معنوی، سلب‌ناشدنی و ذاتی هر فردی به مثابه‌ی موجود بشری هستند و در قالب همان چیزی بیان و تدوین شده‌اند که امروزه حقوق بشر نامیده می‌شود. آنها متناسب با قواعد حقوقی رایج در جوامع ملی و نیز بین‌المللی به صورت حقوق قانونی وضع شده‌اند. مبنای این حقوق، رضایت حکومت شوندگان یعنی افراد صاحب حق است.

از طرف دیگر، کیفر حبس نیز پیشینه‌ای بس طولانی دارد و مجازاتی است که به قصد سلب آزادی فرد مورد حکم قرار می‌گیرد. اگر افراد جامعه انسانی را مستحق رعایت حقوق بشری و انسانی مختلفی از جمله حرمت جان، مال، تمامیت معنوی و جسمانی و آزادی تن و جسم بدانیم؛ در این صورت، مجازات حبس، سالب‌ارزش «آزادی» است. با این توصیف، از دیدگاه حقوق بشری این کیفر نباید به سایر ارزش‌های مورد احترام بشر و سایر حقوق وی لطمه‌ای وارد کند، در

غیراین صورت با فلسفه‌ی وضع آن مخالف است و ناقض حقوق انسانی به شمار می‌رود؛ هر چند در عمل؛ مجازات حبس بسیاری از حقوق بشری دیگر محبوسان را مورد تعرض قرار می‌دهد.

به هر حال، حبس به عنوان یک مجازات فقط قادر است آزادی را آن هم به مدت محدود و معین از متهم سلب کند و اگر حبس نافی ارزشی بیش از آزادی انسان باشد، اینجاست که می‌توان ادعا کرد مخالف سربخ‌موازیین حقوق بشر به شمار می‌رود و مجریان امور زندان‌ها و نظام عدالت کیفری باید در صدد رفع این مشکل انسانی کردن زندان‌ها و نزدیک کردن اجرا و اعمال کیفر حبس با موازین حقوق بشر برآیند.

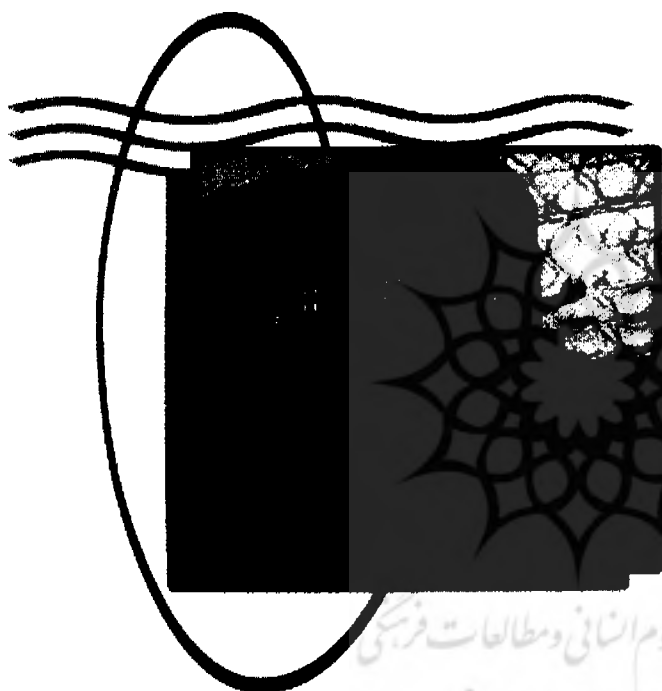
نوشتار حاضر، با محوریت «حقوق بشر و زندان» طی چند شماره در ماهنامه‌ی اصلاح و تربیت درج و در اختیار فراگیران محترم قرار خواهد گرفت. در بخش نخست این نوشتار، نگارنده

سعی کرده است فراگیران را با مفاهیمی کلی نظیر حقوق بشر، فرایند جهانی شدن، جهان شمولی حقوق بشر، حبس، دیدگاه‌های علما پیرامون حقوق بشر و جنبه‌های مختلف تاریخی، فلسفی، اجتماعی، فنی، تخصصی و مهم‌تر از همه انسانی و بشری مجازات زندان آشنا سازد.

در این میان، استفاده از دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها و رهنمودهای علمی اندیشمندان این حوزه نیز از هدف‌های اساسی تلقی می‌شود.

## مفاهیم و کلیات بحث

بشر هزاره‌ی جدید، فرصت بهره‌مندی از بخت و اقبالی را داراست که بسیاری از گذشتگان و نیاکان ما در حسرت دستیابی



به آن بوده‌اند. اطلاع‌رسانی فوری، فن‌آوری‌های فرانونین، بهره‌مندی از رفاه و دستیابی به حقوق مدنی و سیاسی به همراه توجه به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صلح و حفظ محیط‌زیست، مولفه‌هایی هستند که در صورت تأمین برابر آن‌ها برای همه‌ی افراد بشر در همه جای دنیا، جامعه‌ی جهانی را به یک آرمان شهر نزدیک می‌کند. بسیاری از نخبگان و دانشمندان بر این نکته اصرار می‌ورزند که فرایند جهانی شدن همان بخت و اقبالی است که جامعه‌ی بشری همواره در آرزوی دستیابی به آن بوده است.

بی‌تردید، تنش‌ها و مشکلاتی که در جهان امروز وجود دارد به آسانی قابل مشاهده و درک و فهم است؛ اما مهار آن‌ها و پیش‌بینی سرانجام آن و درمان آن با هاله‌ای از ابهام روبه‌رو است. حلقه‌ی پیوند میان رفاه کامل و درماندگی وافر، موضوع اصلی و دغدغه‌ی

مشترک جامعه بشری را تشکیل می‌دهد. این نکته، پژوهشگران را به تامل پیرامون دو مفهوم جهانی شدن و جهان‌شمولی هم‌اکنون اصول حقوق بشر وامی‌دارد و این پرسش اساسی را فراروی آنان قرار می‌دهد که میزان اثرگذاری جهانی شدن و جهان‌شمولی حقوق بشر بر یکدیگر چیست؟

از این‌ها که بگذریم، واقعیت جهان فعلی ما حکایت از پذیرش حقوق بشر به عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر در روابط سیاسی فرهنگی و اجتماعی دولت‌ها دارد. در این میان، مجازات زندان و اصول زندانبانی نیز از این قاعده‌ی کلی مستثنی نیست و در سالیان اخیر، تلاش‌های چشمگیری پیرامون گسترش و توسعه‌ی

## حقوق بشر را مطابق یک تعریف

می‌توان به سلطه و اختیاری تعبیر

کرد که حقوق هر کشور یا

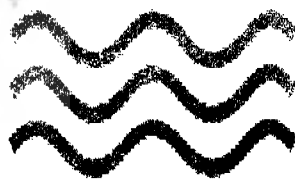
عهدنامه‌ها و قوانین عام‌بین‌المللی

یا منطقه‌ای از آن حمایت می‌کنند و

به شخص توان تصرف در موضوع

حق و منع دیگران از تجاوز به آن

را می‌دهند



حقوق بشر در نظام‌های عدالت کیفری و زندانبانی جوامع مختلف صورت پذیرفته است. به‌رغم انتقادهایی که از اواخر قرن نوزدهم نسبت به نظام زندانبانی و وضعیت نامناسب زندان‌ها در کشورهای مختلف ابراز می‌شده است، حبس کردن همچنان معمول‌ترین مجازات برای مرتکبان جرایم در سراسر دنیا است؛ به طوری که شاید نتوان یک سیاست کیفری بدون زندان را در ذهن مجسم نمود. بدین ترتیب، با درک این نکته که شعار حذف کامل زندان و استفاده از مجازات‌های جایگزین، نمی‌تواند در موقعیت کنونی واقع‌گرایانه باشد، تلاش‌های انجام شده توسط دولت‌ها،

سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی مرتبط، معطوف به اصلاح وضع موجود برای برخورداری از یک نظام زندانبانی بهتر و کارآتر بوده است.

منظور از این تلاش‌ها، از یک سو انسانی‌تر کردن شرایط زندان‌هاست. یعنی دیگر زندانی را فرد منفور و مطرودی که باید در سیاه‌چال‌های تاریک و نمور به دور از اجتماع نگاه‌داری شود و با تحمل درد، زنج، خفت و حقارت، کفاره‌ی گناه و رفتار ضداجتماعی خود را به جامعه بپردازد، نمی‌دانند. برعکس، او را انسانی می‌دانند که هر چند مثل هر بشر جایز الخطای دیگر مرتکب رفتار نادرستی شده است، اما مانند همه‌ی انسان‌ها مستحق برخورداری از رفتاری انسانی در عین تحمل مجازات و نیز قادر به اصلاح و بازاجتماعی شدن است.

به عبارت دیگر، زندانی شدن شخص نباید او را از حقوق انسانی‌اش محروم کند. طبعاً، مقید بودن این هدف در نظام زندانبانی کشور عزیزمان ایران نیز اهمیت مضاعف می‌یابد؛ زیرا نخست؛ از این رو که وجود شرایط غیرانسانی در زندان‌ها با هدف‌های بشر دوستانه‌ی اسلامی و کرامت ذاتی که انسان‌ها در این آیین الهی از آن برخوردارند، در تعارض است و دوم؛ از آن جهت که حبس‌گرایی مفرط در قوانین داخلی و بی‌تمایلی قضات به استفاده از نهادهایی چون تعلیق و تخفیف مجازات، زندان‌های ایران را مملو از تعداد قابل توجهی از بدهکاران مالی، مرتکبان جرایم غیرعمدی، صادرکنندگان بی‌تقصیر چک‌های بی‌محل و نظایر آن‌ها کرده است که این افراد را نمی‌توان به مفهوم واقعی کلمه «جنایتکار» و مستحق تحمل حبس‌هایی با شرایط سخت دانست.

سمت و سوی دیگر تلاش‌های انجام شده طی سال‌های اخیر در کشورهای مختلف، نیل به هدف‌های ارغابی و اصلاحی مجازات حبس بوده است؛ نظام زندانبانی که تاثیری در اصلاح محبوسان نداشته باشد، بلکه، آنان را حرفه‌ای‌تر از گذشته از زندان خارج می‌کند و نقش ارغابی آن در بازداشتن زندانیان و سایر مجرمان بالقوه کم رنگ است، نمی‌تواند نظامی موفق و افتخارآمیز باشد. به دو صورت فوق می‌توان جهت‌سومی را افزود و آن لزوم حفظ ایمنی زندانیان و امنیت زندان‌هاست و به طور مسلم، مردم، توجه به این دو موضوع را نیز به‌جد از دولت‌های خود خواستارند. قدر مسلم، توجه به حقوق زندانیان و میزان رعایت کمترین استانداردهای رفتار بشری با آنان از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار است که در وهله‌ی نخست؛ مستلزم آشنایی با پاره‌ای از مفاهیم کلی مرتبط می‌باشد. اینک هر یک از این مفاهیم را به تفکیک مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم:

۱- مفهوم جهانی شدن (Globalisation)

جهانی شدن چیست؟ تئوری یا فرآیند؟ رهیافت یا روش؟ آغاز یا سرانجام؟

در تعریف جهانی شدن، برخی آن را آزادی وسایل ارتباطی و اطلاع‌رسانی، آزادی مبادله‌ی تجارت، کالا، خدمات و فناوری

در بعد اقتصادی و شرکت‌های چندملیتی و سازمان جهانی تجارت می‌دانند. به نظر آنان جهانی شدن از دل اقتصاد بیرون آمده و در مکتب آمریکایی رشد یافته است و امروزه به نمونه‌ی لیبرالیسم فکری، سیاسی و اقتصادی تعبیر می‌شود. در واقع، در این مقطع، انسان‌ها به این نتیجه می‌رسند که کرامت و ارزش آنان به مرزهای جغرافیایی معین یا فرهنگ‌های خاص خودشان منحصر نیست و کشورها متوجه می‌شوند که تکامل و توسعه یا بحران و مشکل همانند فقر مفرط جهانی در منطقه‌ای معین خاتمه نمی‌یابد و دامنه‌ی آن به پدید آمدن بحران‌های سیاسی- اقتصادی در دنیای آرام و پیشرفته‌ی آنان منجر خواهد شد.

به همین دلیل به نظر می‌رسد که «جهان‌گرایی»، مناسب‌ترین فرایند ساختار نظام بین‌المللی در قرن ۲۱ باشد. نگاهی کلان به این مباحث، بیانگر آن است که انسان و بشریت در کانون توجه محافل ملی و جهانی قرار می‌گیرد. بنابراین، هدف‌های و آرزوهایی مانند تجارت آزاد اقتصاد بازار، حمایت جهانی از حقوق بشر، حفظ محیط‌زیست و کاهش سلاح‌های کشتار جمعی و نظایر آن، تحت لوای اهمیت توسعه‌ی انسانی، رفاه اجتماعی و کرامت بشری قرار می‌گیرند.

هدف‌های اشاره شده در بالا، این تعریف را از جهانی شدن قابل درک می‌کند که:

«فرآیندی اجتماعی که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند.»

لذا، جهانی شدن که یک فرایند همه جانبه و فراگیر است می‌تواند در بخش‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مطرح و به درک مشترک بین‌المللی از مسایل فرارو منجر شود. در این فرایند، با بی‌اعتباری مرزهای جغرافیایی، فکری، ارتباطی، اقتصادی و سیاسی؛ انسان‌ها با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند و سلطه‌ی دولت‌ها، تحدید و تضعیف می‌شود و فرصت برای دموکراسی، حکومت جهانی و شهروندی جهانی فراهم می‌آید. در همین راستا است که «جیمز روزنر» در تعریف جهانی شدن سعی می‌کند تا ارتباط این مفهوم را در مواجهه با مفاهیم دیگری چون

اقتصاد، فرهنگ، ایدئولوژی، بازنگری در ساختار تولید، گسترش بازارها و تنش میان گروه‌های مهاجر انسانی نشان دهد. وی ضمن طرح پرسش‌های بسیاری پیرامون ابعاد مختلف و پیچیده‌ی جهانی شدن عنوان می‌کند که جوهره‌ی جهانی شدن در سهولت بخشیدن به جریان جابه‌جایی انسان، اطلاعات و مواد خام میان تمام کشورهاست.



«ابراهیم العیسوی»، متفکر شهیر عرب نیز در تعریف مفهوم جهانی شدن می‌گوید: «جهانی شدن، سهولت روند حرکت اقوام- بشری، اطلاعات و کالاها میان تمام کشورها در گستره‌ی جهانی است». در این زمینه، هزاران نوع کالا و خدمات و حتا اندیشه‌ها و عقاید گوناگون در سطح جهانی عرضه می‌شود و وابستگی نزدیکی بین کشورها رخ می‌دهد.

## ۲- جهان شمولی حقوق بشر (universalism)

نمره‌ی فرایند جهان‌شمولی به طور مستقیم متوجه افراد انسانی است و آسیب و زیان یا سود و فایده آن بر وضعیت اجتماع اثر می‌گذارد. همین ضرر و فایده است که ارتباط میان جهانی شدن و جهان‌شمول بودن مبانی حقوق بشر را به متن منتقل می‌کند زیرا



فرایند جهانی شدن، نظام بین‌المللی حاکم بر کشورها را به لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تحت تاثیر خویش قرار می‌دهد و در نهایت آثار متفاوتی بر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی افراد و همین‌طور حق توسعه‌ی جوامع دارد. به گونه‌ای که اگر قریب به ۲۵۰ سال نظام جهانی بر اساس مفهوم حاکمیت قرار می‌گرفت، امروزه به دلیل جهانی شدن ابزارهای اطلاع‌رسانی و امکان به وجود آمدن فهم مشترک میان ملت‌ها، حاکمیت به طور فزاینده‌ای تحت تاثیر این قضاوت قرار می‌گیرد که یک حکومت با شهروندانش چگونه رفتار می‌کند؟!

نظریه‌ی «کلیتون» رییس‌جمهور سابق آمریکا، پیرامون روند جهانی شدن شنیدنی است. وی معتقد است: «روند جهانی شدن، موجب ایجاد تغییر و تحول شگرف در شیوه‌های کاری، زندگی و مهم‌تر از همه، چگونگی برقراری ارتباط، فراسوی مرزهای ملی ما شده است. این روند باعث از میان رفتن دروازه‌ها و به وجود آمدن شبکه‌های ارتباطی میان کشورها، افراد و نیز میان اقتصادهای جهانی و فرهنگ‌های جوامع می‌شود.»

در فرایند جهانی شدن، پذیرش اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و جهان‌شمولی این اعلامیه و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر از سوی واحدهای سیاسی، به عنوان منشا و سرچشمه‌ی حقوق بشر در نظام بین‌الملل و روابط میان کشورها برجسته‌تر می‌شود زیرا با وجود ابزارهای بسیار پیشرفته‌ی اطلاع‌رسانی، کتمان دلایل حقیقی و واقعی امتناع برخی از کشورها در تصویب معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، محال می‌شود. امروزه این بحث مطرح است که تعدد فرهنگ‌ها و نسبییت فرهنگی‌ای که از سوی برخی از دولتمردان کشورهای ناقص حقوق بشر مطرح می‌شود، چیزی نیست جز سرپوشی بر اعمال مستبدانه و غیرانسانی آن‌ها نسبت به شهروندان‌شان به منظور ادامه‌ی حاکمیت فردی- نه ملی و جهانی- بر توده‌های ناآگاه. بر همین اساس، مفهوم نسبییت فرهنگی تحت‌الشعاع منطق مسلط

و برتر جهانی شدن قرار می‌گیرد.

به هر حال، جهانی شدن می‌تواند بازتاب مثبت و مفیدی بر جهان‌شمولی حقوق بشر داشته باشد مشروط بر این‌که این فرایند تحت نظارت حاکمیت‌های ملی به‌منظور بهره‌برداری مثبت و مناسب از آن قرار گیرد. جهانی شدن در عرصه‌ی فرهنگ، سیاست و ارتباطات اگر به نابودی خرافه‌پرستی و رشد فکری و فرهنگی منجر شود، در پی آن جهان‌شمولی بنیادهای حقوق بشر را که عبارت از رعایت آزادی‌های مدنی و سیاسی و دوری از شکنجه فشار، تبعید و تبعیض است، به ارمغان خواهد آورد. اما جهانی شدن به معنی نابودی فرهنگ سنتی و باورهای ملی و بومی در واقع چیزی جز آسیب رساندن بر جهان‌شمولی نسل دوم حقوق بشر که تامین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع است نخواهد بود. همین‌طور اگر فرایند جهانی شدن، حقوق مدنی و سیاسی افراد را اعم از بزهکار، زندانی و غیرزندان‌ی تامین نکند، چه بسا موجب ایجاد شبکه‌ای از مخالفان جهانی شدن در سراسر گیتی خواهد شد. زیرا منطق جهانی شدن بر اساس منطق بازار و اقتصاد قرار گرفته است، در حالی که منطق اصول بنیادین حقوق بشر بر رضایت افراد بشری در همه‌ی نقاط دنیا قرار دارد.

بنابراین، این رابطه‌ی مثبت و مفید جهانی با جهان‌شمولی حقوق بشر هنگامی عملی می‌شود که حقوق نسل‌های مختلف بشری را مخدوش نکند، بلکه روند جهانی شدن به تقویت و تامین آن حقوق بیانجامد. در آن صورت، جهانی شدن نه فقط مورد استقبال جامعه‌ی بین‌المللی قرار می‌گیرد، بلکه نظر جوامع ملی و حاکمیت‌های ملی را نیز به فواید و آثار مثبت خویش معطوف خواهد کرد. رسیدن به این آرمان جاوید، هنگامی امکان‌پذیر است که فرهنگ و ارزش‌های جوامع مختلف در فرایند جهانی شدن امکان دستیابی برابر به موقعیت‌ها و ابزارهای این فرایند را داشته باشند.

ادامه دارد